

شرح: توجّه به احزاب یکی از مطالبات تشکّل‌ها و فعالان سیاسی و یکی از محورهای برنامه‌های ارایه‌شده حسن روحانی به مردم در ایام انتخابات بود. در صورتز نخستین که از عمر دولت می‌گذرد در این زمینه چه اتفاقی رخ داده است؟ در سپهر سیاسی ایران معمولا احزاب را به دودسته اصلاح‌طلب و اصولگرا تقسیم‌بندی می‌کنند. هرچند در زیرمجموعه دو جناح، تشکّل‌های زیادی می‌گنجد اما در شرایط فعلی وجه اشتراک مطالبات همه احزاب اصولگرا و اصلاح‌طلب این است که هر دو طیف توجّه ویژه به احزاب در قالب افزایش کمک‌های وزارت کشور در حوزه مالی را خواستارند. اما اصلاح‌طلبان مطالبات دیگری هم دارند. یکی از شاخص‌ترین این مطالبات بازگشایی خانه احزاب است. چندی پیش حسینعلی امیری، قائم‌مقام‌وزیر و سخنگوی وزارت کشور گفت: «ما در چارچوب قانون از حقوق کلیه احزاب دفاع می‌کنیم و معتقدیم یکی از این حقوق، داشتن اتحادیه‌های صنفی برای احزاب است. درباره خاله احزاب نیز در حال بررسی‌های لازم هستیم.» بازگشایی خاله احزاب را می‌توان بستری برای فعالیت مجدد احزاب و خروج از انفعال و سکون چهره‌های حزبی دانست. خانه‌احزاب در دولت دهم وضعیت ناپسایمانی داشت تا جایی که عباس مشکی‌نی‌زاده، دبیر کمیسیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور در آن زمان، آن را به «خاله‌ای خالی و بدون مستاجر» تشبیه کرده بود. خاله احزاب ایران به‌عنوان باشگاه بزرگ احزاب ایرانی پس از پنجمین نشست عمومی‌اش، از سوی کمیسیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور دولت احمدی‌نژاد به‌عنوان «نهادی رسمی» شناخته‌نشد تا مایسپسون حزبی؛ پس از طی کردن راهی طولانی به بن‌بست دولت‌ض‌حزبی برسند. اکنون و در زمانی که یکی از مطالبات اصلاح‌طلبان در دولت روحانی بازگشایی خانه احزاب است، اصولگراهای می‌گویند این خانه را قبول ندارند و اگر قرار به بازگشایی خانه احزاب باشد آنها خانه‌احزایی دیگر برای اصولگرایان تاسیس خواهند کرد چراکه خاله احزاب فعلی را محل سیاسی کاری اصلاح‌طلبان می‌دانند. با وجود وعده‌های دولت روحانی، وزیر کشور تاکنون با احزاب جلسهای نداشته اما با کمربندشدن فضای غیرسیاسی احزاب احساس بهتری برای فعالیت دارند و از این‌رو به تکیاوپر برای گسترده‌کردن یا از سرگیری فعالیت‌های خود دارند. با این حساب هفته گذشته روحانی‌فصلی اعلام کرد: «رییس‌جمهوری بزودی با تشکّل‌ها و ان‌جی‌واها نشست ویژه‌ای خواهد داشت.» خانه احزاب ایران که در دولت اول اصلاحات تاسیس شده و به‌عنوان یک نهاد غیردولتی برای ایجاد وفای بین احزاب و گروه‌های سیاسی تا پیش از دولت تدبیر و امید، پنج‌دوره نشست عمومی برگزار کرده، ریاستش برای چهاردوره از آن اصلاح‌طلبان بود اما زمانی که «حسن کاشفی» به‌عنوان پنجمین رییس شورای مرکزی خانه احزاب در سال ۸۸ انتخاب شد اصولگرایان دیگر نتوانستند این ریاست را تحمل کنند.

بر همین اساس انتخابات مجمع‌عمومی پنجم از سوی وزارت کشور دولت دهم زیر سؤال رفت و دبیر کمیسیون ماده ۱۰ احزاب اعلام کرد که این کمیسیون، مجمع عمومی خاله احزاب را به رسمیت نمی‌شناسد. ۹ماه پس از آخرین جلسه مجمع عمومی خاله احزاب، به دلیل عدم‌تمدید پروانه این تشکّل سیاسی و به شرق: توجّه به احزاب یکی از مطالبات تشکّل‌ها و فعالان سیاسی و یکی از محورهای برنامه‌های ارایه‌شده حسن روحانی به مردم در ایام انتخابات بود. در صورتز نخستین که از عمر دولت می‌گذرد در این زمینه چه اتفاقی رخ داده است؟ در سپهر سیاسی ایران معمولا احزاب را به دودسته اصلاح‌طلب و اصولگرا تقسیم‌بندی می‌کنند. هرچند در زیرمجموعه دو جناح، تشکّل‌های زیادی می‌گنجد اما در شرایط فعلی وجه اشتراک مطالبات همه احزاب اصولگرا و اصلاح‌طلب این است که هر دو طیف توجّه ویژه به احزاب در قالب افزایش کمک‌های وزارت کشور در حوزه مالی را خواستارند. اما اصلاح‌طلبان مطالبات دیگری هم دارند. یکی از شاخص‌ترین این مطالبات بازگشایی خانه احزاب است. چندی پیش حسینعلی امیری، قائم‌مقام‌وزیر و سخنگوی وزارت کشور گفت: «ما در چارچوب قانون از حقوق کلیه احزاب دفاع می‌کنیم و معتقدیم یکی از این حقوق، داشتن اتحادیه‌های صنفی برای احزاب است. درباره خاله احزاب نیز در حال بررسی‌های لازم هستیم.» بازگشایی خاله احزاب را می‌توان بستری برای فعالیت مجدد احزاب و خروج از انفعال و سکون چهره‌های حزبی دانست. خانه‌احزاب در دولت دهم وضعیت ناپسایمانی داشت تا جایی که عباس مشکی‌نی‌زاده، دبیر کمیسیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور در آن زمان، آن را به «خاله‌ای خالی و بدون مستاجر» تشبیه کرده بود. خاله احزاب ایران به‌عنوان باشگاه بزرگ احزاب ایرانی پس از پنجمین نشست عمومی‌اش، از سوی کمیسیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور دولت احمدی‌نژاد به‌عنوان «نهادی رسمی» شناخته‌نشد تا مایسپسون حزبی؛ پس از طی کردن راهی طولانی به بن‌بست دولت‌ض‌حزبی برسند. اکنون و در زمانی که یکی از مطالبات اصلاح‌طلبان در دولت روحانی بازگشایی خانه احزاب است، اصولگراهای می‌گویند این خانه را قبول ندارند و اگر قرار به بازگشایی خانه احزاب باشد آنها خانه‌احزایی دیگر برای اصولگرایان تاسیس خواهند کرد چراکه خاله احزاب فعلی را محل سیاسی کاری اصلاح‌طلبان می‌دانند. با وجود وعده‌های دولت روحانی، وزیر کشور تاکنون با احزاب جلسهای نداشته اما با کمربندشدن فضای غیرسیاسی احزاب احساس بهتری برای فعالیت دارند و از این‌رو به تکیاوپر برای گسترده‌کردن یا از سرگیری فعالیت‌های خود دارند. با این حساب هفته گذشته روحانی‌فصلی اعلام کرد: «رییس‌جمهوری بزودی با تشکّل‌ها و ان‌جی‌واها نشست ویژه‌ای خواهد داشت.» خانه احزاب ایران که در دولت اول اصلاحات تاسیس شده و به‌عنوان یک نهاد غیردولتی برای ایجاد وفای بین احزاب و گروه‌های سیاسی تا پیش از دولت تدبیر و امید، پنج‌دوره نشست عمومی برگزار کرده، ریاستش برای چهاردوره از آن اصلاح‌طلبان بود اما زمانی که «حسن کاشفی» به‌عنوان پنجمین رییس شورای مرکزی خانه احزاب در سال ۸۸ انتخاب شد اصولگرایان دیگر نتوانستند این ریاست را تحمل کنند.

بر همین اساس انتخابات مجمع‌عمومی پنجم از سوی وزارت کشور دولت دهم زیر سؤال رفت و دبیر کمیسیون ماده ۱۰ احزاب اعلام کرد که این کمیسیون، مجمع عمومی خاله احزاب را به رسمیت نمی‌شناسد. ۹ماه پس از آخرین جلسه مجمع عمومی خاله احزاب، به دلیل عدم‌تمدید پروانه این تشکّل سیاسی و به

روز

شرق: اگر فضای به‌وجودآمده پس از انتخابات ۸۸ معلول یک انتخاب بود، از سوی دیگر علتی شد برای انتخاب حسن روحانی به‌عنوان رییس‌جمهوری یازدهم ایران. آنجا که روحانی با درک فضای وقت جامعه، خود را حقوقدان معرفی کرد، نه سرهنگ.

دولت روحانی از زمان روی کارآمدن، بخش عمده‌ای از توان خود را روی موضوع سیاست خارجی متمرکز کرده، اما همان‌طور که خود روحانی بارها برآن تأکید کرده است حفظ سرمایه اجتماعی و به تبع آن حفظ «حقوق شهروندی» برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی امری ضروری و انکارناپذیر است.

تدوین سند جامع حقوق شهروندی

روز ۲۰ آبان رییس‌جمهوری در دیدار با اعضای مجمع نمایندگان اقلیت‌های دینی مجلس، درباره حقوق شهروندی گفته بود: «دولت تدبیر و امید همان‌طور که در شعارهای خود اعلام کرده به حقوق شهروندی معتقد و پایبند بوده و به‌دنبال تدوین منشور حقوق شهروندی است.» روحانی افزود: «در زمینه تدوین منشور حقوق شهروندی در حال حاضر در حال رایزنی با حقوقدانان توانمند کشور هستیم که به محض آماده‌شدن، این منشور در اختیار رسانه‌ها، مجامع دانشگاهی و نخبگان قرار می‌گیرد تا بتوانیم نظرات آنان را در این زمینه لحاظ کرده و پس از اعمال نظرات آن را به‌عنوان منشور حقوق شهروندی منتشر کنیم.» پس از این «الهام‌امین‌زاده» معاضد حقوقی رییس‌جمهوری نیز از تدوین سند جامع حقوق شهروندی به روحانی در هفته جاری به خبرگزاری «مهر» خبر داد. او با بیان اینکه بخشی از گزارش صدروزه رییس‌جمهوری به اقدامات حقوقی صورت‌گرفته توسط دولت اختصاص خواهد داشت، گفته: «پس از دستور رییس‌جمهوری این سند بین تمامی دستگاه‌ها، وزارتخانه‌ها، حقوقدانان و کسانی که در جامعه مدنی مشارکت دارند، نظیر گروه‌های مختلف و دانشگاهیان، توزیع شد و هم‌اکنون در حال دریافت نظرات آخر این گروه‌ها و دستگاه‌ها در ارتباط با سند جامع حقوق شهروندی هستیم.» امین‌زاده در پاسخ به اینکه از چه زمانی سند جامع حقوق شهروندی در دسترس عموم قرار گرفته و مطابق آن عمل خواهد شد، نیز گفت: «این موضوع به نظر و دستور رییس‌جمهور در ارتباط با زمان و چگونگی اجرای سند بستگی دارد.»

توجه دولت به حقوق شهروندی و به تبع آن تغییر فضای جامعه از فضای سرهنگی به فضای حقوقی در یکی، دو ماه اول دولت، تا حدودی خود را نشان داد. شادی مردم در خیابان‌ها پس از پیروزی نامزد انتخاباتی‌شان، امکان استفاده آزاد از شبکه‌های اجتماعی البته در مقطع زمانی محدود، برگزاری محافل جریان اصلاحات و اجازه سخنرانی عمومی به کسانی که در طی چهار سال گذشته از این حق محروم بودند، همه نشانه‌هایی از گشایشی فضای سیاسی را به‌همراه داشت. مهم‌تر از اینها آنچه امید به بهبود فضای سیاسی و محو فضای امنیتی را نوید می‌داد، آزادی جمعی از زندانیان سیاسی بود.

چراغ خاموش «خانه احزاب»

طاهره ریاحی



حندصاب‌نرسیدن مجمع عمومی آن، فعالیت‌های خانه احزاب به محاق رفت. حالا با بر سر کارآمدن دولتی که ریاستش، گزینه نهایی و محصول ائتلاف دو جریان سیاسی اصلاح‌طلب و میانه‌رو است، تاراش برای احیای خاله احزاب ادامه دارد. برگزاری جلسه از سوی رییس‌جمهوری با نهاده‌ا و تشکّل‌ها نقطه آغازین این تعاملات است. پیش از این روحانی دیدگاه خود را در مورد احزاب در وزارت کشور اینطور بیان کرده بود: «اصلا حزبی در کشور ما وجود ندارد و جناحی هم وجود ندارد؛ هم‌اشار فافاظ است. بحث‌های قبیله‌ای است. هر جمعی گوش‌های جمع شده‌اند. کرکردها هم پایین است. موقع انتخابات کرکردها با می‌رود، چراغ روشن می‌شود، دم مغازه آب و ج‌ارو

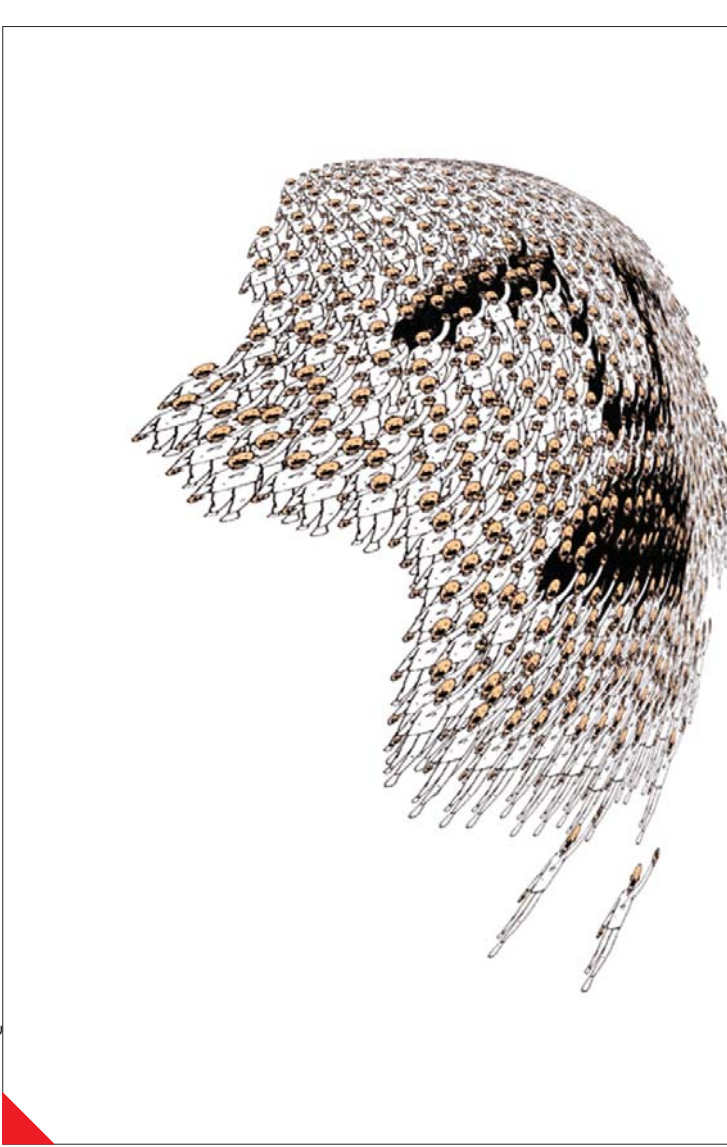
امید به صیانت از حقوق شهروندی در دولت تدبیر و امید

هزار راه نرفته

در سخنرانی در همین رابطه در حاشیه هیات دولت به خبرنگاران گفته بود: «دولت در مورد رفع حصر خانگی دخالت نمی‌کند»

۲۷شهریور، بدون اطلاع قبلی، تعدادی از زندانیان سیاسی آزاد شدند؛ روزنه‌ای که البته زود بسته شد و شعله امید به آزادی سایر زندانیان و حل موضوع حصر خانگی را خاموش کرد. محسنی‌اژهای در نشست خبری خود در همین ایام در پاسخ به پرسش خبرنگاران مبنی بر امکان آزادی سایر زندانیان به مناسبت عید قربان و غدیر و همچنین رفع حصر از میرحسین موسوی و مهدی کروبی گفت: «قرار نیست چنین اتفاقی بیفتد چون قبلا به مناسبت‌های مختلف غفو برای زندانیان امنیتی داشته‌ایم دیگر غفوی برای آنها در این دو عید نخواهیم داشت.»

حجت‌الاسلام پورمحمدی وزیر دادگستری نیز



سیاست

سیاست

می‌شود، سرصودا شروع می‌شود، انتخابات هم که تمام می‌شود کرکره دوباره پایین کشیده می‌شود.»

انتخاب استانداران

تعیین استانداران و لای‌گری برای انتخاب آنها بین دولت، مجلس و افراد صاحب نفوذ سیاسی، از جمله سوز‌های داغ محافل سیاسی است. از راهروهای مجلس گرفته تا دیدارهای خصوصی که با اعضای هیات دولت و افراد پرنفوذ سیاسی، ترتیب داده می‌شود. یکی از اولویت‌ها تعیین استانداران باقیمانده است. در این بین به رسم و سیاق سابق مجمع نمایندگان هر استان چند گزینه را به ترتیب به وزیر کشور پیشنهاد می‌کنند. روالی که هرچند برای دولت الزام‌آور نیست اما دولت هم چندان به آن ایعتنا نیست. در بعضی از استان‌ها همانند استان تهران، دولت توجیهی به نظر پیشنهادی نمایندگان نداشت، اما آنچه از عملکرد دولت تاکنون مشهود است تیم روحانی قصد ندارد از اساس به پیشنهادهای نمایندگان بی‌توجه باشد و تلاش دارد حداکثر رضایت ممکن را در بین نمایندگان در تعیین استاندار جلب کند. بخشی از جامعه به دلیل نگاه استانداران به تغییر و به روحانی رای دادند اما هنوز وضعیت خیلی از استان‌ها مشخص نیست. روحانی‌فضلی می‌گوید: «دولت در انتخاب استانداران دقت را فدای سرعت نخواهد کرد.» او همچنین معتقد است: «دولت در انتخاب استانداران از دولت‌های پیشین عقب‌تر نیست و همه استانداران به پیشنهاد وزارت کشور با تصویب هیات دولت منصوب می‌شوند.» روحانی‌فضلی با بیان اینکه استانداران با دقت فراوان در انتخاب می‌شوند، گفت: در دوره‌های گذشته استان‌هایی بودند که در طول چهارسال، پنج استاندار عوض کردند و متوسط عمر استانداران در برخی از استان‌ها کمتر از یکسال بوده که این عدم ثبات مدیریت آسیب‌رسان است و ما نیز با دقت مدیران شایسته را انتخاب می‌کنیم تا ثبات مدیریتی به وجود آید. به نظر می‌رسد دولت در انتخاب استانداران نگاهی به تأمین مطالبات اقلیت‌ها هم داشته است. «جاسم جادری» که به‌عنوان یک عرب خوزستانی شناخته می‌شود به استاندار شد. هرمزگان رفت. ۱۰ (استاندار در روزهای آتی به دولت معرفی خواهند شد از زمان روی کارآمدن دولت حسن روحانی تاکنون ۲۵استاندار انتخاب شده و شش استان دیگر نیز توسط استانداران دولت احمدی‌نژاد اداره می‌شوند که قرار است استانداران جدید تا هفته آینده معرفی شوند. روحانی‌فضلی چندی پیش اعلام کرد: «بعد از تکمیل‌شدن فرآیند معرفی استانداران، سفر به تمامی استان‌ها را در دستور کار دارم.» اکثر استانداران انتخاب‌شده مشی اعتدال دارند هر چند جهت‌گیری‌های سیاسی استانداران و هم نحوه انتخاب عالی استان‌ها، چالش‌ها و بحث‌هایی را ایجاد کرده است اما تاکنون اکثر استان‌ها از انتخاب استانداران خود راضی هستند. با مشخص‌شدن تمامی استاندارها سفرهای استانی وزیر کشور آغاز می‌شود، باید منتظر بود و دید اولین گزارش وزیر کشور از سفرهای استانی چه خواهد بود. در گزارش صدروزه وزیر کشور حتما نحوه انتخاب ۳۱استان را خواهیم دید.

حوزة‌های قدرت در دست جریانی است که دولت را متعلق به جناح رقیب (جریان اصلاحات) می‌داند. توقیف روزنامه

«بهار» جلوگیری از انتشار برخی روزنامه‌ها و نشریات به دلایل قضایی، جلوگیری از فعالیت برخی احزاب، حضور همچنان برخی چهره‌های سیاسی در زندان و… هیچ‌یک در حوزه اختیارات دولت نمی‌گنجد تا به خاطر پایان‌ندادن به آنها مقصر شناخته شود، هرچند طبیعی است که دولت می‌تواند از نفوذ خود برای حل این معضلات استفاده کند. تشکیل معاونت امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی اما فارغ از موضوع حقوق شهروندی به‌طور عام، شاید بتوان تاکنون بیشترین توقیف روحانی را در این حوزه به‌طور خاص، در مورد اقلیت‌ها دانست. نگاهی به آمارهای مربوط به آرای حسین روحانی در مناطق مختلف کشور گواهی بر این موضوع است که آرای رییس‌جمهوری در مناطق حاشیه‌ای در میان اقلیت‌های کشور قابل توجه بوده است. شاید همین امر (جداز مسائل سیاسی – امنیتی و نقش اقلیت‌های قومی – مذهبی در آن) موجب شده تاروخوانی در اولین اقدام دولت در مورد اقلیت‌ها معاونتی را تشکیل دهد تا «علی پوینی» در ۹ مهر سال جاری طی حکمی به‌عنوان دستیار ویژه رییس‌جمهوری در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی منصوب شود؛ جایگاهی که برای اولین‌بار در تاریخ انقلاب اسلامی تاسیس شده و نشان از دقتنظر دولت در این زمینه دارد، جایگاهی که اگر با دقت به آن نگاه شود، در مقوله امنیت ملی می‌تواند بسیار نقش‌آفرین باشد. اهمیت این موضوع تا جایی است که پوینی گفته «برای پیشگیری از حوادثی نظیر ترور دادستان زابل بیش از هر چیزی باید اقلیت‌های مذهبی به‌خصوص اهل سنت را در تصمیمات ملی دخالت دهیم.» او همچنین گفته «برنامه‌های خود را در این زمینه آماده کرده و به رییس‌جمهوری نیز ارایه کرده‌ام، امیدوارم این برنامه‌ها تصویب و اجرا شود.»

پوینی همچنین گفته «دولت خواستار آن است که جایگاه همه ادیان که قانون اساسی آنها را به رسمیت شناخته حفظ و پیروان این ادیان بتوانند به حقوق مشروع خود برسند و در این راستا اگر مشکلی هم وجود دارد باید رفع شود.» روحانی نیز در همین زمینه در دیدار با اعضای مجمع نمایندگان اقلیت‌های دینی مجلس بااشاره‌به اینکه «ما باید تنوع فرهنگ‌ها را در عمل و رفتار بپذیریم،» عنوان کرده بود: «اقلیت‌های دینی در کشور ما در صحنه‌های گوناگون از جمله در پیروزی انقلاب و دفاع مقدس همراه با ملت ایران بوده‌اند و همه ما در سرزمینی واحد، ملتی متحد بوده‌ایم؛ بنابراین اگر سختی بوده برای همه بوده و اگر رفاهی هم باشد، برای همگان است.»

اگر ظهور و بروز بسیاری از تحولات در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاست داخلی، سیاست خارجی و حتی فرهنگی نیازمند گذر زمان باشد، اما در حوزه «حقوق شهروندی» بیش از نیاز به گذر زمان، به پایبندی به شعارها و عمل نیاز است. همان‌طور که رییس دولت تدبیر و امید خود گفته «ما باید تنوع فرهنگ‌ها را در عمل و رفتار بپذیریم،» اجرا و رعایت حقوق شهروندی نیز نیازمند همین پذیرش از سوی جریان‌ها، گروه‌ها و نهادهای صاحب قدرت است.

سیاست

می‌شود، سرصودا شروع می‌شود، انتخابات هم که تمام می‌شود کرکره دوباره پایین کشیده می‌شود.»

انتخاب استانداران

در دنیای امروز احزاب سیاسی یکی از ارکان تأمین‌کننده ثبات و بهبود کارایی ساختار سیاسی و رابط مردم و حکومت هستند. این پدیده گرچه در جهان غرب قدمتی بیش از سفرن دارد و از انقلاب کبیر فرانسه احزاب به‌عنوان یک نهاد به‌صورت جدی وارد تصمیم‌گیری‌های سیاسی شدند؛ اما در ایران با دو قرن تأخیر یعنی همزمان با انقلاب مشروطه احزاب وارد فرهنگ سیاسی شدند. این حضور در گام نخست با پدیده ظهور رضاشاه و آغاز یک دوره استبداد به‌مدت دودعه با مشکلات جدی روبه‌رو شد و عملاً بعد از شهریور ۲۰ دوباره شاهد ظهور و بروز احزاب بودیم، تا اینکه در مرداد ۳۲ شاهد افول مجدد احزاب به‌مدت ۲۵سال هستیم. اما با پیروزی انقلاب اسلامی و پایان دوره استبداد پهلوی انتظار می‌رفت با اسراری که سرمد و بنیانگذار جمهوری‌اسلامی در شعارهایشان نسبت به قوت‌گرفتن احزاب داشتند این موضوع در جامعه ایران نپاینده نباشد اما در یک نگاه گذرا دیده شد که در سال‌های ۵۷ تا ۶۰ عملاً تجربه احزاب با ناکامی مواجه شد. با روی کارآمدن آقای هاشمی به‌عنوان رییس‌جمهوری جدید ایران می‌بینیم بازسازی خرابی‌های جنگ و مسایل اقتصادی نسبت به مسایل دیگر بهتر مورد توجه قرار می‌گیرد و روند توجّه به احزاب به‌خصوص در دولت دوم هاشمی با وزارت محمد بشارتی، (وزیر کشور) در کشور خیلی کندتر می‌شود. اما شاید بتوان گفت چالشی که بین محافظه‌کاران که تا دیروز حامی هاشمی بودند، برای تنظیم فهرس‌های مورد توافق در مجلس پنجم منجر به افزایش شکاف بین هاشمی و محافظه‌کاران شد و این موضوع باعث شد تا حزب کارگزاران سازندگی وارد فضای سیاسی کشور شود و تا حدودی فضای کشور را تحت‌تأثیر قرار دهد و موجب شد تا یک دو قطبی در

کشور بین ناطق‌نوری و عبدالله نوری ایجاد شود. دولت هاشمی که در ماه‌های پایانی برای برگزاری انتخابات آماده می‌شد، نهایتاً با چهره‌ای غیرقابل پیش‌بینی مواجه شد و دولت سازندگی جای خود را به دولت اصلاحات داد. محمد خاتمی که با شعار توسعه سیاسی با به عرصه انتخابات گذاشت توانست در مدتی کوتاه توجه جامعه ایرانی را به خود جلب کند. می‌توان گفت این آغازی برای حیات احزاب سیاسی در کشور بود. در دوران اصلاحات احزاب سیاسی توانستند مورد توجه مردم در حوزه سیاست آیند کنند و سرود توجّه دولتمردان قرار گیرند. این روند با شکل‌گیری مجلس ششم ادامه یافت و عملاً با برپ‌رنگ‌شدن محوری توسعه سیاسی و حمایت‌قلیل توجّه‌اکثر نمایندگان اصلاح‌طلب قضا برای کار احزاب فراهم شد. اما در دور دوم ریاست‌جمهوری اصلاحات شاهد نشخ جدی در کشور بودیم که عملاً جریان اصلاح‌طلب در مجلس ششم در مصالاحت گسترده امکان حضور مجدد در مجلس هفتم را نیافت. همین روند باعث شد تا دولت اصلاحات در سال ۸۴ جای خود را به دولت اصولگرای احمدی‌نژاد دهد و این دوران – دوره رکود فعالیت حزبی در هشت‌سال – به‌عنوان یک اتفاق جدی در تاریخ احزاب ثبت شد. نهایتاً با فضایی که پس از انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۲ ایجاد شده انتظار می‌رود حسن روحانی در پیشبرد شعار«هایش در حوزه حقوق شهروندی و قانونگرایی و توجّه به حقوق مردم و نظارت‌پذیری دولت تلاش کند طبیعتاً تحقق این وعده‌ها باید احزاب مردمی مناسب را در کشور فراهم کند و دولت باید این سازوکار را فراهم کند. البته با توجّه به اولویت‌هایی که حسن روحانی وعده داده سیاست خارجی اهمیت عمده‌ای دارد و مشکلاتی چون رشد قابل توجه تورم و رشد منفی اقتصادی باعث شده تا آقای روحانی را بیشتر به خود متوجه کند و به همین دلیل تاکنون مشکلات سیاست داخلی خیلی موردنظر دولت تدبیر و امید قرار نگرفته است. از س‌وی دیگر به نظر می‌رسد در طول این صدروز وزارت کشور دولت یازدهم اولویت اولیه خود را به انتخاب استانداران اختصاص داده است. به اعتقاد من توجّه به مساله احزاب در کشور همچنان

تا تصاتب استانداران که وعده آن به مردم و گروه‌های سیاسی داده شده است محقق نشود و به همین دلیل طبیعی است اگر بخواهیم نگاهی به عملکرد دولت حسن روحانی و وزارت روحانی‌فضلی بیندازیم کارنامه درخشان و درخ‌ر توجیهی را در مورد احزاب مشاهده نکنیم.

«عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی

طراح: مصطفی‌میر تقی‌زاده

ادامه از صفحه ۸

حدود و امکان دیپلماسی دولت اعتدال

۲- امکان چیست؟

نقطه مقابل «حدود»، امکان» قرار دارد. حدود و امکان دوروی یک سکه هستند، اولی از محدودیت‌ها و موانع سخن می‌گوید و دومی از سلاح، انرژی، امکانات، اتحادها و ائتلاف‌هایی است که در عرصه سیاست بین‌الملل می‌توان در اختیار خود گرفت؛ زیر برای رسیدن به اهداف در رولایت بین‌الملل باید ائتلاف‌ها و بازی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را شناخت؛ بنابراین، حدود و امکان، باید راهنمای حرکت دولت برای نیل به اهداف سیاست خارجی به شمار رود؛ اما انسان‌های ایده‌آل‌گرا و آرمانگرا هرگز به حدود و امکان خود برای دستیابی به اهداف خود فکر نمی‌کنند. آقای احمدی‌نژاد هم مبارزه با دنیای غرب و نظام بین‌الملل و هم با نخبگان داخلی و روشنفکران و بزرگان را زیر تیغ تیز خود برده، نه وحدت ملی را شکل داد نه وحدت منطقه‌ای را، به همین دلیل، هم در سیاست خارجی و هم در سیاست داخلی دچار ناکامی شد. اما دولت روحانی قبل از هر چیز با توجّه به شرایط ویژه بین‌المللی و نیاز و ضرورت اقتصادی، باید به چهار سوال عمده پاسخ دهد:

۱- چه باید کرد؟ اهداف را مشخص کند. ۲-چه می‌توان کرد؟ امکانات را فراهم کند. ۳- چه می‌تواند بکند؟ توانایی‌ها را ارزیابی کند. ۴- چه نمی‌تواند بکند؟ تنگناها و موانع خود را بشناسد.

سؤال اول؛ «آرمانی» و معطوف به اهداف و ترسیم خطوط حرکت‌های «ایده‌آل» و استراتژی نظام است. سؤال دوم؛ معطوف به «امکانات متفاوت» (داخلی – خارجی) برای حرکت در شرایط موجود است. سؤال سوم؛ معطوف به درک «شناخت موانع» عمده در «عرصه بین‌الملل» است. سؤال چهارم؛ معطوف به به درک شناخت موانع عمده برای رسیدن به «اهداف» است. با توجّه به موارد یادشده، شناخت و امکان عمیق از مسایل داخلی و بین‌المللی ضرورت دارد.

دولت روحانی در این راستا باید به موارد ذیل توجه ویژه داشته باشد:

۱- قابلیت‌ها؛ یعنی شناخت آنچه می‌توان اهداف را فعالیت بخشید، ۲- ضرورت‌ها؛ یعنی شناخت آنچه نیاز آنان امروز است. ۳- واقعیات؛ یعنی شناخت آن چیزهایی که خود را بر سیاست خارجی تحمیل کرده است. ۴- اولویت‌ها؛ یعنی شناخت آنچه باید گامیه‌گام و مرحله‌به‌مرحله در جعبندی و اقدام کند تا به اهداف خود برسد. ۵- موانع؛ یعنی شناخت آنچه شدن‌ها را محدود می‌کند. ۶- امکانات؛ یعنی شناخت آن ابزارهایی که می‌توان به وسیله آن عمل کرد. ۷- توانایی‌ها؛ یعنی آنچه نظام قادر به انجام آن هست. ۸- رقیب؛ یعنی جاهایی که غرب با آمریکا می‌توانند سد راه شوند.

دولت روحانی برای رسیدن به اهداف خود؛ باید به ۱۰ (ارکن) ذیل توجه کند: ۱- بازتعریف مجدد از «استراتژی» و تاکتیک‌ها (اهداف و روش‌ها). ۲- درک عمیق‌تر از «واقعیات» و نیازهای داخلی؛ منطقه‌ای و بین‌المللی ایران. ۳- شناخت مشکلات و «تنگناها» و موانع داخلی و خارجی. ۴- شناخت استراتژی و تاکتیک‌های رقیای بین‌المللی. ۵- «بازشناسی» عملکرد، رفتار، ادبیات و دیپلماسی بین‌المللی دولت گذشته. ۶- شناخت ائتلاف‌ها، و اتحادهای بالقوه و بالفعل بین‌المللی و منطقه‌ای. ۷- ایجاد وحدت و آشتی ملی میان همه طبقات و نخبگان موثر کشور. ۸- بازشناخت اهداف روسیه و چین. ۹- بازشناخت تفکیک منافع اروپا و آمریکا. ۱۰- بازشناخت اهداف منطقه‌ای همسایگان.

عدم‌بررسی و تجزیه‌وتحلیل دقیق موارد فوق، دولت را در شناخت حدود و امکان سیاست خارجی دچار چالش جدی و با ناکامی مواجه خواهد کرد؛ چون بررسی تجربه رفتار و عملکرد دولت احمدی‌نژاد نشان می‌دهد که عدم تناسبی میان امکانات، نیازها و آرمان‌های وی با نظام بین‌الملل؛ هر روز دلمنه شکاف میان ایران و نظام بین‌الملل و همسایگان را افزایش داد. اما دولت روحانی می‌داند که «سیاست خارجی صحنه امکان است نه آرمان»، سیاست هنر انجام‌شدنی‌هاست نه تحقق آرمان‌ها؛ سیاست خارجی اعمال نظر شخصی سیاستمداران نیست؛ بلکه

شناخت الزامات سیاست بین‌الملل و ضرورت‌های داخلی است؛ بنابراین مهم‌ترین موضوعی که بازیگران جدید دیپلماسی ایران باید به آن توجه کنند: تفکیک میان آنچه هست» و «آنچه که می‌خواهند» است. دولتمردان ما «باید جهان را آنگونه که هست ببینند نه آنچه که آرزوی شدن آن را دارند، باید تشخیص دهند ققدر و در کجا و در چه زمانی می‌توانند به منافع ملی و اهدافشان برسند باید میان اصناف ملی و اهداف کوچک‌تر «ارزی هستند»ای، پیوندی ایجاد کنند و باید تناسلی میان اهداف و ابزار؛ امکانات و محدودیت‌ها به وجود آورند. نخبگان ما باید بدانند، سیاست بین‌المللی، صحنه ائتلاف‌ها، اتحادهای پیدا و پنهان است بنابراین رسیدن به اهداف بزرگ در سیاست خارجی، استراتژی مشخص، مردان بزرگ، باتجربه و «ملگرم» ای خواهد. آنچه سیاستمداران آرمانخواه می‌خواهند، نوعی ایده‌آلیسم است. اینکه احمدی‌نژاد جهان و ایران را آنگونه که خود می‌خواست بسازد، نشان داد در جهان ذهنی خود غوطه‌ور شده است چون سیاست در جهان عینی؛ شکل می‌گیرد نه آرزوهای شخصی. برای عملی‌شدن سیاست‌ها با کشف قوانین بازی در عرصه روابط بین‌المللی، ازبان و فرهنگ غرب، را شناخت نه ایده‌آل‌های خود را بر سیاست خارجی بزرگی مثل ایران تحمیل کرد. یک سیاستمدار، باید بداند، ماهیت تصمیم‌گیری در صحنه داخلی با سیاست خارجی بسیار متفاوت است. دولت روحانی باید میان نیازهای داخلی با ضرورت‌های منافع ملی ایران تعادل و توازن ایجاد کند؛ این امر، محاسبات دقیق را می‌طلبد باید از تاریخ بیاموزیم، بازخوانی تجربه تاریخ روابط خارجی، شناخت بازیگران حرف‌های به‌ویژه روسیه و چین را باید دقیق‌تر شناخت، باید منافع غیرمشرک اروپا و آمریکا را شناخت تا سیاست خارجی ما بر اساس واقعیات عینی بین‌المللی و منافع ملی ما مدیریت بشود، نخبگان بی‌اطلاع از تاریخ و سیاست بین‌الملل در این شرایط حساس، می‌توانند بار اضافی بر سیاست خارجی تحمیل کنند، باید ظرفیت، محدودیت‌ها و توانایی‌های خود را نسبت به مواضع خود ارزیابی کنیم و حدود خود را بشناسیم سپس مواضع اصولی اتخاذ کنیم، در همه‌مواضع، باید «هزینه» و «سود» آن را در نظر بگیریم.

نتیجه‌گیری

باید میان تحقق آرزوهای داخلی و آرمان‌های خارجی فرق قابل شویم، آرمان داشتن در سیاست خارجی نته‌ها عیب نیست بلکه ضروری نیز هست اما باید با شناخت واقعیات به‌صورت تدریجی و مرحله‌ای با توجّه به قدرت توانایی و ظرفیت زمانی خود، آن را عملیاتی کنیم. باید بداییم، اهداف بزرگ، ظرفیت و امکانات فراوان‌تری می‌طلبیم، سیاست خارجی باید ادامه سیاست داخلی باشد، رفتار بین‌المللی دولتمردان نمی‌تواند جدا از تحولات داخلی باشد، در واقع ستلنده‌های خارجی ما باید از تحولات درونی نشأت گیرد؛ «چون سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی دولت‌هاست»، چون دوروی یک سکه‌اند؛ بنابراین برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی باید اجماع داخلی و وحدت ملی ایجاد شود. دولت اعتدال باید حدود، محدودیت، موانع رسیدن به اهداف و امکانات خود را بشناسد، موانع حرکت را بداند، خط‌مشی منطقه‌ای مبنی بر حدود و امکان باید راهنمای حرکت او در سیاست خارجی باشد پس ابتدا باید میزان توانایی‌های خود، برای اتخاذ مواضع در شرایط حساس را شناسایی کند. ناکامی و شکست سیاستمداران، زمانی آغاز می‌شود که شناخت و درک صحیح آنان از نظام بین‌الملل مخدوش بشود و واقعیات نظام بین‌المللی به امید چیزهایی که خود می‌خواهند را دنبال کند. ناکامی و شکست در سیاست خارجی از آنجا آغاز می‌شود که شناخت میان آرمان، امکان و درک میان آن دو مخدوش شود و مرز، حدود، امکان و چگونگی به کارگیری آن تیره و مبهم شود شکاف عمیق میان حدود و امکان سیاست خارجی را در تأمین منافع ملی با بن‌بست مواجه می‌سازد؛ بنابراین، یک سیاستمدار موفق کسی است که میان آرمان و امکان، آشتی و هم‌زیستی ایجاد کند تا دستیابی به اهداف ملی در سیاست خارجی فراهم شود.

«دانشجوی دکتری علوم سیاسی

معاون سابق استاندار مازندران در دوران اصلاحات